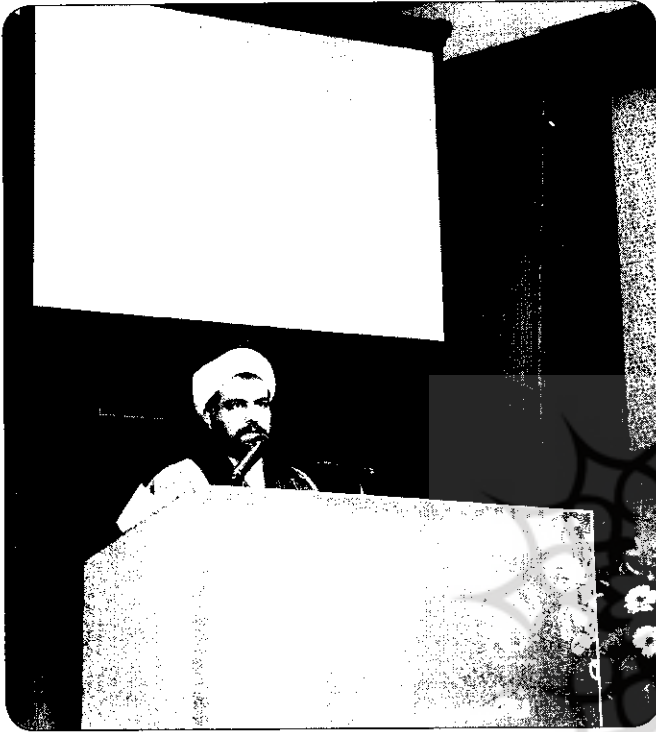
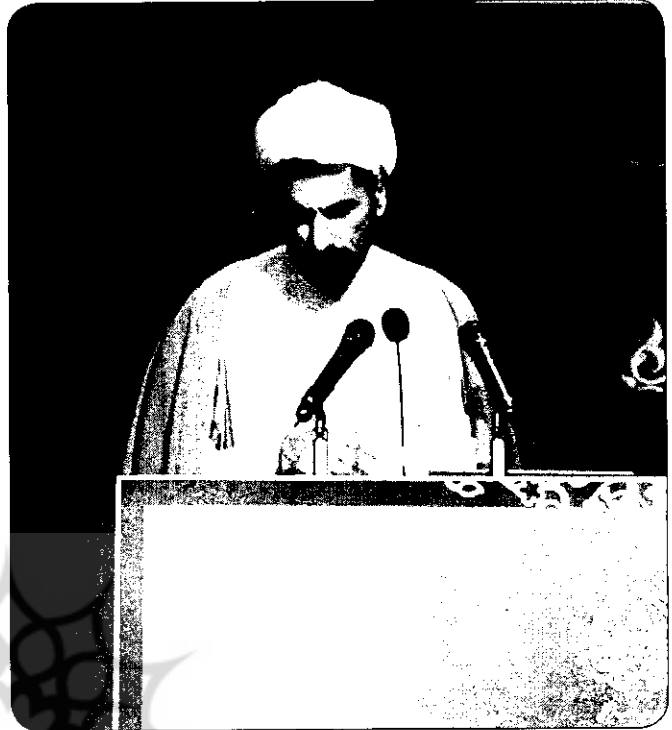


در این نشست که بعد از ظهر روز دوم همایش در سالن خواجه نصیرالدین طوسی مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد
حجت الاسلام و المسلمین مصطفی جمالی و حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پیروزمند به طور مشترک،
دکتر ابوتراب طالبی و دکتر امیر ملکی به ارائه مقاله پرداختند.



الگوی طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی در مهندسی فرهنگی کشور

مکیده
مقاله

علیرضا پیروزمند و مصطفی جمالی

یعنی در تمام موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، لوازم فرهنگی را در تصمیمات فرهنگی ملاحظه می‌کنند. این نگاه بعدی باید در بحث تصمیم‌گیری و مهندسی فرهنگی مدنظر قرار بگیرد. شاید مشکل اساسی ما جمع‌کردن بین این دو نگاه بخشی و بعدی است که ما چگونه می‌توانیم در مهندسی فرهنگی

حجه الاسلام
والمسلمین
علیرضا پیروزمند
پژوهشگر حوزه

مطالعه

و دانشگاه و عضو هیأت علمی
فرهنگستان علوم اسلامی قم و
صاحب کتب، تألیفات و تحقیقاتی
در حوزه های فلسفه علم، روش
علم، جهانی سازی، مهندسی
فرهنگی، دین شناسی و... می‌باشد.

عین نیاز به نگاه بخشی به فرهنگ، لوازم فرهنگی را در همه تصمیمات لحاظ کنیم. ما باید یک محور برای طبقه‌بندی ایجاد کنیم و اگر یک نگاه کلان به

فرهنگ بخشی از جامعه تلقی می‌شود و در نگاه بعدی که مسئله امروز دولت‌های مدرن است فرهنگ را به عنوان بعدی از جامعه لحاظ می‌کنند.

زیادی است. تعریف فرهنگ را در سه دسته کلان می‌توان به شرح ذیل ارائه کرد:
تعاریفی که ناظر به فرهنگ هستند. تعاریف مربوط به موضوعات فرهنگ و تعاریفی که ناظر به آثار فرهنگ است. فرهنگ عبارت است از پذیرش‌های هنجار یافته اجتماعی که براساس آن ارزش‌گذاری در جامعه صورت می‌گیرد. در فرهنگ توجه به دو نگاه بخشی و بعدی مهم

هدف مقاله؛ ارائه الگو و طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور است و به دنبال آن است که یکی از مهمترین موضوعات فرآیند مهندسی کشور یعنی طبقه‌بندی الگو را مطرح نماید. بخشی از موضوع مهندسی فرهنگی طبقه‌بندی موضوعات فرهنگی است که نیاز به یک الگو دارد تا طبقه‌بندی به صورت روشمند صورت بگیرد. هدف مقاله، برقراری ارتباط منطقی و معنا دار میان مسائل مرتبط با شورای عالی انقلاب فرهنگی یا نهادهای فرهنگی کشور می‌باشد. ما باید به دنبال الگویی باشیم که مورد تفاهم اهل نظر قرار بگیرد تا کمتر دچار سلیقه در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شویم. در بحث معنای فرهنگ تعاریف

۲۲

بمن و اسفند ۱۳۸۵ شماره ۶ و ۷

موضوعات جامعه داشته باشیم؛ تمام موضوعات را در سه حوزه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌توانیم دسته‌بندی کنیم. اینکه نوعاً در مقابل این دسته‌بندی‌ها موضوعات اجتماعی هم مطرح می‌شود درست نیست چون در یک نگاه عام هر نوع رفتار و نگرشی در فرآیند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. این شامل همه مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود. مسائل مسئله‌دار هم در سه حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد مطرح است. لذا به نظر ما این سه عنوان کلان در کل جامعه مطرح است. فرهنگ هم یک گستردگی موضوعی دارد که باید با توجه به محوریت فرهنگ به طبقه‌بندی موضوعات، ابعاد و سطوح فرهنگ توجه کنیم تا به یک الگوی خاصی در فرهنگ برسیم.

ارتباط فرهنگ با سایر ابعاد مهم است. چون اگر نگاه جامع نداشته باشیم و نسبت فرهنگ را با دیگر ابعاد جامعه لحاظ نکنیم یک طبقه‌بندی جامع و کلی نخواهیم داشت. اگر ما بخواهیم نگاه بعدی و بخشی را در فرهنگ رعایت کنیم فرهنگ دارای سه لایه فرهنگ سیاست، فرهنگ فرهنگ و فرهنگ اقتصاد خواهد بود. در فرهنگ فرهنگ، پیوند مهندسی فرهنگی و مهندسی فرهنگ صورت می‌گیرد. بحث سیاست فرهنگ و اقتصاد فرهنگ نباید در مهندسی فرهنگی مغفول واقع شود.

ادامه مقاله (علیرضا پیروزمند):

الگوی طبقه‌بندی مسائل فرهنگی؛ قسمت اصلی بحث است. در اینجا سه دسته متغیر معطوف به

سه محور ارائه می‌شود. ارکان، سطوح و ابعاد ارکان؛ مقدمات موضوع است که ماهیت موضوع به آنها وابسته است. سطوح، لایه‌های مختلف فرهنگ و ابعاد؛ یعنی ارتباط بین اوصاف اصلی که در کل مقوله فرهنگ جاری هستند. ما با این سه مفهوم الگوسازی می‌کنیم. بشر، سازمانها، نهادها را برای نظم دادن به رابطه انسانها با یکدیگر بابا طبیعت ایجاد کرده است. در مهندسی فرهنگی باید معلوم باشد که ساختارهای موجود مبتنی بر چه فرهنگی ایجاد شده‌اند و مروج چه فرهنگی هستند. محصولات؛ دستاوردهایی است که بشر مستقیماً برای ارضاء نیازهای خودش از آنها بهره می‌برد که باید فرهنگ آنها را شناخت. فرهنگ عمومی یعنی پذیرشهایی که عموم مردم نسبت به مسائل مورد نیاز خود مانند نوع معاشرت اجتماعی دارند. فرهنگ تخصصی پذیرشهایی است که خواص مردم نسبت به مسائل تخصصی دارند. مثل مهندسی ژنتیک، چشم پزشکی. شاید از فرهنگ بنیادی کمتر صحبت شده باشد. بنابراین مقوله مبانی و روشها در فرهنگ تخصصی می‌گنجد. مبانی و روشهای علوم، عواملی هستند که فرهنگ تخصصی ما را می‌توانند دستخوش تغییر کنند. فرهنگ فرهنگ، فرهنگی است که نظام فرهنگی از او تغذیه می‌کند و فرهنگ سیاست و اقتصاد هم به همین ترتیب، براین اساس یک الگو با همان شیوه ماتریس طراحی می‌شود.

در مهندسی فرهنگی دانش حرف اول را می‌زند و مبتنی بر مهندسی دانش می‌توان دانشها را اعم از ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی با رویکرد فرهنگی بازسازی کرد. پس از طراحی ساختار و

باز مهندسی ساختارها می‌توان انتظار تولید محصولات جدید داشت. یعنی تحول فرهنگ تخصصی به میزان زیادی مرهون تحول در بنیادهای علم است و فرهنگ و تحول در فرهنگ عمومی به میزان زیادی مرهون فرهنگ تخصصی می‌باشد. خواص؛ فرهنگ عوام را به میزان زیادی نه به صورت یک طرفه مورد توجه و تغییر قرار می‌دهند.

ارتباطی که بین فرهنگ فرهنگ، فرهنگ سیاست و فرهنگ اقتصاد وجود دارد در تعیین اولویت اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها کمک شایان توجهی به ما خواهد کرد.

با رویکرد مهندسی فرهنگی می‌خواهیم فرهنگ تخصصی، بنیادی و عمومی جامعه بر محور تعالیم اسلامی باز مهندسی دینی شود. هر کدام از این سه در درون خود دانش، ساختار و محصول دارند فرهنگ بنیادی به سه قسم تقسیم می‌شود:

- ۱- فرهنگ فرهنگ-۲- فرهنگ سیاست و ۳- فرهنگ اقتصاد.

در عرصه فرهنگ عمومی نمی‌توانیم از طریق برخورد با محصولات و ناهنجاریها که یک نمود هستند مسئله را حل کنیم بلکه باید ریشه‌های آن را بشناسیم. مسائل فرهنگی در سه قسمت بنیادی، تخصصی، عمومی و فرهنگ فرهنگ، فرهنگ سیاست و فرهنگ اقتصاد تفکیک شده است. تفکیک‌های انجام گرفته در الگوی طراحی شده جای مناسب خود را پیدا کرده، همین اتفاق نسبت به ساختارها رخ داده است و موضوعات ساختاری و ساختارها در این قالب طبقه‌بندی شده‌اند. قابلیت این روش این است که مبانی‌ترین و رونمایی‌ترین مسائل فرهنگی را می‌توانیم در ارتباط با هم ببینیم.

براساس برآورد تخمینی از وضعیت موجود می‌توانیم اولویت‌بندی‌هایی را در همین وضع موجود شناسایی کنیم. باید ببینیم اولویت‌بندی که در این منطق وجود دارد چه مقدار با واقعیت فاصله دارد و بعد از فهم شکاف بتوانیم براساس معادله الگو؛ تغییرات را پیش بینی و پیشنهاد کنیم. انجام اصلاحات در فرهنگ عمومی وابسته به فرهنگ تخصصی و بنیادی است و این تغییرات به صورت رفت و برگشت انجام می‌گیرد. این ارتباطات و اولویت بندی که بین متغیرها بیان کردیم به معنای ارتباط خطی و تغییر خطی در مهندسی فرهنگی نیست ما باید همزمان موضوعات مختلف را مورد توجه قرار دهیم. الگو تحت تأثیر شرایط تغییر نمی‌کند اما موضوعات می‌تواند تغییر کند.

به نظر ما در این الگویی که ارائه شد؛ جمع این دو دغدغه صورت گرفته و پاسخ دو مسئله را می‌توانیم با هم داشته باشیم. خوشبختانه بر اساس این الگو امکان تفکیک و مرتبط دیدن لایه‌ها و اجزای فرهنگ و محوریت بخشیدن به دین در مهندسی فرهنگی و جریانی دیدن مسائل و نه ایستا دیدن آنها فراهم می‌شود. مهندسی فرهنگی نه منحصر به فرهنگ عمومی است و نه مساوی با مهندسی فرهنگی است. این دو متفاوت هستند.

جمله آخر اینکه مهندسی فرهنگی با منطقی مشابه این منطق، نقطه عطفی است برای خروج از نگاه تجزیه‌ای، رونمایی و روزمرگی به فرهنگ و تبدیل کردن آن به یک نگاه عمیق، درون نگر و راهبردی در عرصه فرهنگ.

